

رابطه برچسب کج‌رو، تحریم اجتماعی و هویت انحرافی با تکرار جرم

* علی اسمعیلی

چکیده

مقاله حاضر، یک مقاله پژوهشی بوده و به بررسی رابطه متغیرهای مستقل «برچسب کج‌رو»، «تحریم اجتماعی» و «هویت انحرافی» با متغیر وابسته «تکرار جرم» در بین جوانان مقیم زندان تبریز پرداخته است. هدف اصلی تحقیق پاسخ به این سؤال اساسی بوده است که آیا رابطه‌ای بین متغیرهای مستقل (برچسب کج‌رو، تحریم اجتماعی و هویت انحرافی) و تکرار جرم وجود دارد یا خیر؟ روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، جوانان مقیم زندان تبریز (۱۳۸۴) بوده که در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشته و به علت محدود بودن جامعه آماری، تمام شماری شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق بوده که روایی و پایایی آن (بعد از اجرای تغییرات مناسب) به دست آمده است. نتایج توصیفی تحقیق حاکی از این بوده که بیشترین تکرار جرم با ۳۶/۷ درصد با ۲ بار تکرار بودند (متغیر تکرار جرم در مقیاس فاصله‌ای و از ۱ تا ۲۸ بار سنجش شده است). نتایج استنباطی تحقیق بیان داشت که همبستگی بین متغیر تکرار جرم با برچسب‌زنی انحراف ($r=0.69$)، با تحریم اجتماعی ($r=0.7$) و با هویت انحرافی ($r=0.74$) می‌باشد. مشاهده می‌شود که در هر سه مورد شدت همبستگی زیاد و جهت ارتباط آنها نیز مثبت می‌باشد. بنابر همین دلیل نیز آخر سر یک سری پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: برچسب انحراف، تحریم اجتماعی، هویت انحرافی، تکرار جرم.

مطالعه انحرافات اجتماعی از دیر باز مورد توجه متفکران اجتماعی بوده است. دسته‌ای از آنها رفتار نابهنجار را به سرشت آدمی نسبت می‌دهند و آن را امری ذاتی می‌دانند که به هنگام تولد شکل می‌گیرد و معتقدند که آموزش و پرورش و تربیت اجتماعی در آن بی‌تأثیر است. گروهی دیگر از متفکران اجتماعی مانند ژان‌ژاک روسو، سرشت آدمی را همچون آینه‌ای نقش‌پذیر می‌دانند و به نقش تربیت اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهند و بالاخره برخی از آنان از جمله محقق طوسی از محققان اجتماعی ایران و دورکیم از جامعه‌شناسان کلاسیک فرانسه به دوگانگی سرشت انسان اعتقاد دارند. به نظر آنان سرشت آدمی ترکیبی است از سرشت اصلی یا طبیعی و سرشت اجتماعی (اشرف، ۱۳۵۵، ص ۱۱۴). جرم‌شناسان گروه دیگری هستند که آرای آنها بر نظریه‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اثبات‌گرا متکی است. این دسته از جامعه‌شناسان رفتار آدمی را همانند پدیده‌های طبیعی یا همچون شیء می‌نگرند و سعی می‌کنند با روش‌های طبیعی پدیده‌های کیج‌رفتاری و بزهکاری را مطالعه کنند.

در جوامع صنعتی و شهرنشین امروزی برخی افراد توانایی سازش با ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه را نداشته و مرتکب انواع گوناگونی از جرایم Crimes می‌گردند، پس در چنین جوامعی وقوع جرایم غیرقابل اجتناب است. «به نظر برخی از اندیشمندان امروزه در جوامع صنعتی، ارتکاب جرم با تناقضات موجود در جامعه تشدید می‌شود و شیوه‌ها و شکل‌های جدیدی از ارتکاب جرم به وجود می‌آید، به طوری که از سال ۱۹۶۰ به بعد جرایم سازمان یافته و خشونت‌ها به صورت چشمگیری افزایش یافته است. نکته مهم و اساسی این است که چنین جرایمی عمومیت یافته، گریبانگیر همه کشورهای جهان شده‌اند (شیخاوندی، ۱۳۷۹، صص ۱۸۱-۱۸۲).

در چند سال اخیر ارتباط بین «جرم و جوانان» توجه عموم سیاستمداران و رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. جرم جوانان بر پایه روند آماری به عنوان یک گروه مشکل‌آفرین ذکر شده است. تلاش برای مقابله با جرم جوانان ساختارهای متفاوت و ریشه‌ای مشکل را منعکس می‌نماید. برخی مفهوم جرم را نتیجه فساد و انحطاط اخلاقی و اجتماعی جامعه می‌دانند، در حالی که برخی دیگر برآنند که به جرم به عنوان یک شاخص تفکیک اجتماعی و مکانی بنگرند. اقدامات اخیری که به قصد مقابله با جرم و بی‌نظمی انجام گرفته، با ظرافت به نتایج

تحریم اجتماعی و برجسب‌زنی بر اساس یک رویکرد چندگانه در کاهش جرم و بی‌نظمی نگاه می‌کنند (مرتون، ۱۳۷۶، صص ۶۰-۵۹).

هرچند که چهره جوامع امروزی بر اثر رشد و توسعه روزافزون ارتباطات، اطلاعات و صنعت تحول پیدا کرده است ولی روابط افراد در چنین جوامعی با این رشد شتابان همساز نبوده و تناقضات و تضادهای مختلفی در روابط اجتماعی ایجاد نموده است. در این جوامع زندان به عنوان آخرین مکان اصلاح مجرمین است و دیگر مکانی برای تنبیه آنها محسوب نمی‌شود و هم‌چنین بار مالی زیادی که زندانها و نگهداری زندانیان بر جامعه تحمیل می‌کند خیلی سنگین است. پس اگر امروزه از زندان به عنوان آخرین راهکار اصلاح مجرم استفاده می‌شود بیشتر در جهت ارشاد، جامعه‌پذیری دوباره مجرمان و بازگشت مجدد آنها به متن اجتماع و دامن خانواده‌هاست. بنابراین احساس می‌شود که تحول چشمگیری در نحوه اداره زندانها و نگهداری زندانیان صورت گرفته و در مسئولین این مراکز و متولیان امور قضایی و تربیتی نگرش مثبت خاصی ایجاد شده و بر نقش تربیتی و اصلاحی زندان و زندانی بیشتر تأکید می‌شود؛ ولی در اصلاح و تربیت و جامعه‌پذیری دوباره مجرمان فقط اینان دخالت ندارند و شایسته توجه لازم از سوی آحاد اجتماعی است که در همین زمینه مشکلات زیادی بر سر راه مجرمان و مسئولان قرار دارد، بطوری‌که هنوز در جامعه بستر مناسبی برای بازگشت و پذیرش اجتماعی مجرمان مشاهده نمی‌شود و افراد جامعه چه در روابط رسمی و چه در روابط غیررسمی نوعی بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض بر علیه مجرمین و منحرفین اصلاح شده اعمال می‌نمایند.

این افراد وقتی از زندگی اجتماعی خودشان رانده می‌شوند و در جامعه نیز از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار نیستند به دلیل داشتن سابقه جرم و انحراف از بهره‌مندی حقوق اصلی خود محروم شده و تحت تحریم اجتماعی افراد دیگر جامعه قرار می‌گیرند.

با توجه به اینکه از مشکلات عمده جامعه حال حاضر ما گرایش جوانان به جرم و تکرار آن است و در نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر و جرم‌شناسی که بر خلاف گذشته که علل تکرار جرم را به عوامل متعدد و گاهی مبهم نسبت می‌دادند، علل عمده تکرار جرم جوانان را ناشی از سه عامل برجسب‌زنی انحراف، تحریم اجتماعی و هویت انحرافی می‌دانند. بنابراین تحقیق حاضر بر حسب ضرورت و جهت پاسخ به این سؤال اساسی که در جامعه چه رابطه‌ای

بین برچسب‌زنی انحراف، تحریم اجتماعی و هویت انحرافی با تکرار جرم وجود دارد، صورت می‌گیرد تا بدین وسیله از یک طرف از نگرش‌های سنتی منفی افراد جامعه به انحرافات و جرایم و زندان و زندانی کاسته شود و نیز از سویی به دیگران این امر رسانده شود که مجرمان به عنوان انسانهایی دارای یک سری حقوق شهروندی هستند و باید به آنها دسترسی داشته باشند.

نظریه خرده‌فرهنگی کوهن Kohen، کلوارد و اوهلین Cloward & Ohlin بر بزهکاری جوانان متمرکز شده و در یک تحلیل جامعه‌شناختی بزهکاری جوانان را بر حسب ویژگی‌های خرده‌فرهنگی آنها مانند ارزشها، باورها، زبان، عادات و شیوه‌های زندگی مورد بررسی قرار می‌دهد. مبدعین این نظریه معتقدند که توجه به خرده‌فرهنگ‌ها در تبیین بزهکاری جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال به اعتقاد کوهن جوانان طبقه پایین برای کسب موفقیت اجتماعی بالا و مزایای مادی که به تبع این موقعیت‌ها حل می‌شود، احساس ناتوانی می‌نمایند. بنابراین دشمنی و تضاد خود را نسبت به جامعه بزرگتر که آنها را از دسترسی به این موقعیت‌ها محروم کرده است، توسعه می‌دهند (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۷۸).

نظریه انتقال فرهنگی (Cultural Transmission) ساترلند بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. ادوین ساترلند بر این اعتقاد داشت که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکار آموخته می‌شود. او می‌گوید برای آنکه شخصی جنایتکار شود باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد (ستوده، ۱۳۸۱، صص ۱۳۱-۱۳۰).

تقاضا برای تعلق عضویت، روابط، فعالیت مشارکت، حمایت و اعتماد یک خصیصه اصلی انسانی است. همیشه افرادی یافت می‌شوند که تقاضایشان برای تعلق به گروه یا جامعه نادیده گرفته می‌شود و به نوعی طرد یا تحریم می‌شوند. تحریم اجتماعی از جمله مسائلی است که گریبانگیر اغلب جوامع می‌باشد. اگرچه شدت و ضعف و نیز کیفیت یا عوامل آن برای جوامع مختلف، تفاوت خواهد داشت. تحریم یا پذیرش پروسه‌ای است که در هر گروهی رخ می‌دهد (مثلاً مسئولین، قومیت‌ها، افراد مسن، بزهکاران و ...). تحریم‌شدگان به عنوان جزئی از جامعه در نظر گرفته نمی‌شوند، بدین معنا که در عین حالی که به لحاظ جغرافیایی ساکن در آن جامعه‌اند اما به دلایلی که برای هر گروه از تحریم‌شدگان ممکن است متفاوت باشد عملاً از

مشارکت، حضور و ایفای نقش در جامعه و یا نظامی که در آن قرار دارند کنار گذاشته شده‌اند. در مسأله تحریم اجتماعی، مشکل زمانی شروع می‌شود که یک فرد یا گروهی از افراد به صورت مداوم مورد تحریم قرار می‌گیرند. پس تکرار و تداوم تحریم آن را به صورت یک مسأله در می‌آورد. برای مطالعه تحریم اجتماعی دوگونه اهمیت می‌توان در نظر گرفت:

۱- اهمیت مطالعه تحریم اجتماعی از حیث آثار اجتماعی یا جامعه‌ای

۲- اهمیت مطالعه تحریم اجتماعی از حیث آثار روانی و فردی

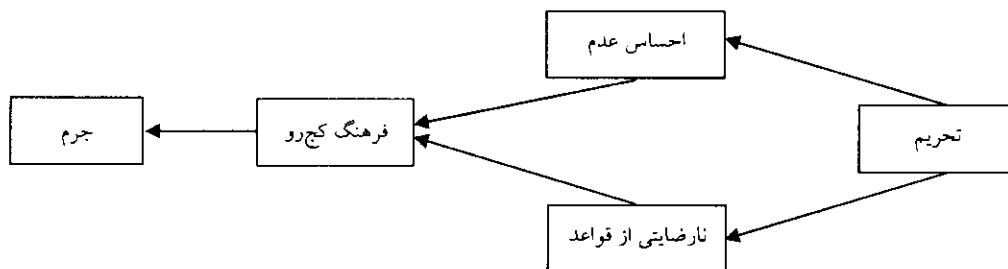
تحریم اجتماعی مغایر با شئون انسانی است و حقوق انسانی و اساسی افراد را انکار می‌کند و در پیوند با بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی به حاشیه کردن افراد و تعمیق نابرابریها منجر می‌شود که خود این قضیه ثبات دموکراسی را تهدید می‌کند. مطالعه تحریم اجتماعی در واقع بخش مهمی از تجربه گروههای مشخصی است که «تمایز» و «محصور شده» از مشارکت در زندگی اجتماعی‌اند. از این حیث تحریم اجتماعی در واقع معادلی است برای عدم مشارکت افراد در جامعه و نیز از این رو مطالعه تحریم اجتماعی در واقع دیدن «پشت صحنه» الگوهای سیاستگذاری در یک کشور، منطقه یا هر جای دیگر است. جرمی تراویس G.Trawis تحریم اجتماعی را به عنوان ابزاری برای تنبیه نامرئی معرفی می‌کند. در تحلیل مانوئل کاستلز هم افرادی که تحریم اجتماعی را تجربه می‌کنند، راهبردهایی را برای بقای خود و نیز خروج از دوان آن اتخاذ می‌کنند. وی این راهبردها را در قالب ظهور سه نوع هویت تحلیل می‌کند. کاستلز ضمن سخن گفتن از ظهور و هویت‌های مقاوم در قالب جمع‌های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی و هم‌چنین مجرمان و دسته‌بندی آنها در سه مقوله «هویت مشروعیت‌بخش»، «هویت مناسب» و «هویت برنامه‌ای» هویت مقاومت را ناشی از نوعی احساس طرد و تحریم و کنار گذاشته‌شدگی می‌داند که به ایجاد جمعیت‌هایی با گرایش خاصی می‌انجامد. از نظر کاستلز هویت مقاومت، به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شوند یا داغ ننگ بر آنان زده می‌شود. از نظر کاستلز از بخش‌های تحریم شده انسان‌ها دو واکنش متفاوت می‌توان انتظار داشت:

۱- پیوند منحنی و روی آوردن به اقتصاد جنایی

۲- روی آوردن به جرم و خشونت و خرابکاری در جامعه (بلالی، ۱۳۸۴، ص ۲۷).

تحریم اجتماعی اثرات روانی نیز دارد که خود آثار اجتماعی برای فرد دارد. طبق نظر توینگه و باومیستر عدم تعلق یا تحریم اجتماعی معمولاً به تجربیات منفی احساسی مثل اضطراب، افسردگی، تنهایی و احساس انزوا منجر می‌شود.

مارک لیری و همکارانش بر این نظرند که عزت نفس پایین از احساس طرد و تنهایی نشأت می‌گیرند. از این رو وقتی افراد احساس می‌کنند که مورد تفرق دیگران هستند، این احساس تفرق را در خود درونی کرده و از خود متنفر می‌شوند. طبق نظر لیری، عزت نفس به عنوان یک «جامعه‌سنج» عمل می‌کند. بدین صورت که چشم‌اندازهای فردی برای شخصی است که افراد دیگر مایلند با او آشنا بشوند و رابطه داشته باشند و عزت نفس پایین بدان معناست که فرد ممکن است مورد غفلت واقع شده و یا حتی مردم از وی بگریزند. از نظر توینگه و باومیستر وقتی افراد تحریم می‌شوند انگیزه آنها برای کمک، حمایت و دوست داشتن دیگران و اعتقاد به اینکه دیگران نیز بخشی از اجتماعی هستند، کمتر می‌شود. افراد تحریم شده همچنین ممکن است احساس کنند که قواعد اجتماعی موجود دیگر ضروری نیستند. این طرز تفکر ممکن است به ارتکاب جرم توسط آنها منجر شود (همان، ص ۲۷).



نمودار شماره ۱: رابطه تحریم اجتماعی با گرایش به جرم (بلالی، ۱۳۸۴، ص ۲۸-۲۷).

نظریه انسداد اجتماعی (Social Closure) فرانک پارکین F.Parkin، نمونه روشنی از ادامه دیدگاه ماکس وبر در جامعه‌شناسی نوین است. وی اعتقاد دارد که در جوامع امروزی، تقسیم‌های طبقاتی مهمی، جدای از طبقه بورژوا و پرولتاریا وجود دارد. هم‌چنین دیگر شکل‌های استثمار (به جز شکل اقتصادی) نیز موجود است که باید مورد بررسی قرار گیرند. شکل‌های گوناگون استثمار، دیگر گستره پهنآوری از نسخه‌های اجتماعی هستند.

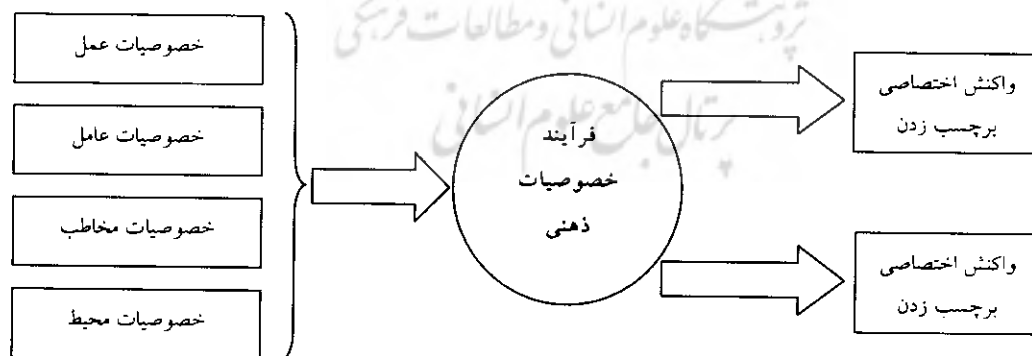
از دید وی باید مسأله قدرت را بیشتر مورد بررسی قرار داد. برای این منظور باید ایده قدرت را با ایده فرآیند «محصور کردن اجتماعی» (انسداد اجتماعی) ترکیب کرد. پارکین دو شکل پایه از فرآیند محصور کردن اجتماعی را پیشنهاد کرده است. نخست «محروم‌سازی» به معنای آن دسته از وسایل اصلی است که بخش‌های چیره، با استفاده از آنها، بخش زیر سلطه را از داشتن قدرت محروم می‌سازند. دوم «غصب» Usurpation است که بخش زیرسلطه با بکارگیری آن می‌کوشد که مقداری از قدرت را از دست بخش چیره بیرون بکشد. از دید پارکین در ساختار طبقاتی نفوذ «غصب» رو به افزایش است. درست است که کارگران زیر سلطه هستند، اما امروزه آنها با به وجود آمدن اتحادیه‌های با نفوذ کارگری قدرتمند شده و توانایی تخریبی آنها رو به افزایش است (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۷، صص ۷۶-۷۵).

نظریه پردازان انگزنی و برجسب‌زنی بیشتر به تحلیل فرآیند کج‌رفتاری ثانوی شدن پرداخته و آن را تحلیل الگوی پایدارکننده هویت رفتاری حرفه‌ای یا زنجیره‌ای نامیده‌اند (صدق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴). آغاز دیدگاه نسبی‌گرایانه مربوط به انحراف به چند سال پیش بر می‌گردد. البته دیدگاه هنجاری حاکم تا اوایل سده ۱۹۶۰ بطور جدی مورد پرسش و تردید قرار نگرفت تا اینکه سه تحلیل مهم نسبی‌گرایانه خرد در مورد انحراف انتشار یافت. از بین آنها معروفترین عبارات در کتاب هاوارد بکر H.Beeker با عنوان اشخاص حاشیه‌ای آورده شده است. اصطلاح فرضیه‌ای برجسب زدن که غالباً در مورد تمام این اظهارات تئوریک به کار می‌رود از صورت نسبی‌گرایانه بکر از انحرافات نشأت می‌گیرد، انحراف چگونگی عمل ارتكابی شخصی نیست، بلکه نتیجه عملکرد قوانین ضمانت‌های اجرایی دیگران نسبت به «متهم» می‌باشد. منحرف کسی است که این برجسب در مورد وی به خوبی به کار رفته است (رفتار منحرف رفتاری است که مردم بدان برجسب می‌زنند) هرچند کتاب بکر تا حدی به مشکلات سطح کلان، مثل تأثیرهای گروه‌های علاقمند به قانون‌گذاری بر ضد ماری‌جوآنا

پرداخته شده است ولی قسمت عمده مقاله او یک تحلیل بیشتر از گرفتاریهای سطح خرد برچسب زدن به افراد منحرف می‌باشد، به عقیده بکر فرضیه انحراف باید به عوض توجه به روابط علی و معلولی بین متغیرهای آماری به فرآیندهای تعاملی پویا بپردازد. همه عوامل در یک سازمان عمل نمی‌کنند و ما به مدلی نیاز داریم که حقیقت توسعه متوالی و منظم الگوهای رفتاری را در نظر بگیرد. وی مفهوم «دوره زندگی» را به عنوان یک مدل مناسب برای فرضیه برچسب زدن مطرح می‌کند. این مفهوم در مورد اشخاص حاشیه و در یک تحلیل از مراحل و احتمالات مشتمل در تکامل دوره زندگی یک منحرف به کار می‌رود. یک الگوی ثابت از رفتار منحرف که نتیجه فرآیندهای برچسب زدن می‌باشد. بکر خاطرنشان می‌سازد که بیشتر مردم گهگاهی مرتکب اعمال ناسازگار می‌شوند، بدون اینکه درگیر یک الگوی منحرف از فعالیت‌های منحرف گردند. علت اصلی آن است که بیشتر افراد در حین ناسازگاری خود دستگیر نشده و فرد «منحرف مخفی» باقی می‌ماند. به گفته بکر یکی از مهم‌ترین مراحل کج رفتاری در دوره زندگی منحرف، تجربه دستگیر شدن و دریافت برچسب منحرف از طرف عموم می‌باشد، اینکه فرد قبل از دریافت برچسب دارای چه شخصیتی بوده مهم نیست، و عکس‌العمل دیگران نسبت به این فرد اکنون به جنبه غیرقابل تحمل هویت وی متمرکز است یعنی وضعیت انحراف یا برچسب حیل‌گر، معتاد، بدجنس، دیوانه و غیره در نتیجه این عکس‌العمل‌ها، یکی از مراحل بعدی در رشد دوره زندگی انحرافی آن است که (فرد متمایلاً از شرکت در گروه‌های رسمی‌تر محروم می‌شود)؛ مثلاً فردی که برچسب همجنس‌گرا یا معتاد را دارد، از اشتغال در یک شغل آبرومند و معتبر محروم شده و سپس به سوی یک حرفه غیررسمی و حاشیه‌ای رانده می‌شود که در آن حرفه این نوع کج رفتاری چندان تأثیری ندارد. در واقع فرد منحرف یا کجرو چاره‌ای ندارد جز اینکه وارد فعالیت و کارهایی شود که معمولاً از چنان فردی انتظار می‌رود، یعنی فعالیت‌های منحرف (Orcutt, 2003, p 3).

برچسب‌گرایان عموماً به دو فرآیند مرتبط ولی متمایز توجه دارند، بطوریکه معنی منحرف از طریق آنها به کنش‌گرایان (عاملان) و رفتارها نسبت داده می‌شود. اول آنکه بیشتر برچسب‌گرایان معتقدند پدیده «انحراف» به طور متقابل در طی یک فرآیند پیچیده واکنش مخاطب نسبت به یک عمل یا عامل در یک محیط اجتماعی معین ایجاد می‌شود که ارکان اصلی این فرآیند در پایین به صورت بخش نظریه برچسب زدن ارائه شده است. مخاطبین

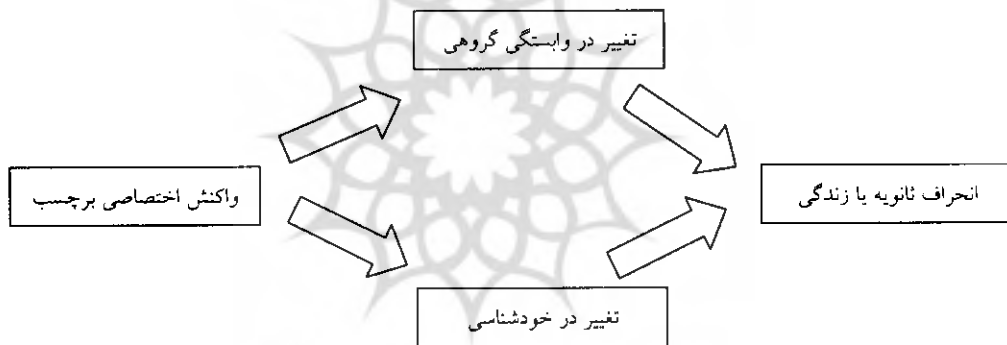
اجتماعی در صورتی که با افراد و رفتارهای مشکل ساز مواجه شوند خصوصیات عملی، عامل، مخاطب و بافت محیطی همگی در تعبیر نظری و شخصی مخاطب و یا در خصوصیات علی منبع «مشکل» تأثیر می‌گذارد، آیا مخاطبین باطن مشکل را به عنوان نشانه‌ای از خصوصیات شخصی عامل (مثل شرارت یا اختلالات روانی) تعبیر می‌کنند و یا مشکل فشارها و شرایط موضعی نسبت داده می‌شود. صفات شخصی باعث واکنش‌های اختصاصی می‌شود مثل رد عامل از گروه‌های رسمی و برچسب زدن عامل به عنوان منحرف، از طرف دیگر خصوصیات محیطی معمولاً به واکنش‌های کلی و فراگیر می‌انجامد و هدف آن تغییر رفتار مشکل ساز عامل بدون تحریم و از ارتباطات گروه‌های رسمی می‌باشد (Welford Triplett, 2005, p 5).



نمودار شماره ۲- نظریه برچسب زدن و فرآیند واکنش مخاطب

بسیاری از انواع نظریه‌های برچسب زدن نیز به یک فرآیند اجتماعی دوم (انحراف ثانویه) اشاره دارند که ناشی از تجربه دریافت برچسب و تحریم از ارتباطات گروهی رسمی می‌باشد. عاملانی که از طرف اجتماع به عنوان منحرف برچسب زده شده‌اند، احتمالاً وابستگی گروهی خود را تغییر داده و با کسانی ارتباط برقرار کنند که متشابهاً چنان برچسبی را دریافت کرده‌اند؛

بعلاوه خودشناسی عامل در اثر تجربه برچسب دستخوش تغییر گشته و از آن با برچسب منحرف شناسایی می‌شود. عامل در نتیجه این انتقالات به هم مرتبط در هویت شخصی و روابط اجتماعی‌اش در معرفی یک الگوی ثابت از انحراف ثانویه یا «زندگی حرفه‌ای» قرار می‌گیرد که حاصل تجربه برچسب زدن می‌باشد. این الگوهای مستمر فعالیت منحرف نیز به نوبه خود به برچسب زدن مداوم و عدم پذیرش از طرف مخاطبان رسمی می‌انجامد.



نمودار شماره ۳- نظریه برچسب زدن و فرآیند انحراف ثانویه (ارکات، ۱۹۸۳، صص، ۲۳-۱۵)

با توجه به مشکل تفکیک مجرم از غیرمجرم و جدا کردن فرهنگ مجرمانه از فرهنگ غیرمجرمانه آنچه مهم است توضیح فرآیندی است که فردی را به نام «مجرم» از سایر افراد جامعه جدا می‌کند. «ادوین لمرت» (E. Lemert) با تفکیک مرحله اول انحراف از مرحله دوم آن سعی می‌کند این فرآیند را توضیح دهد. لمرت علت انحراف را در این دو وضعیت از هم تفکیک می‌کند. علت جرم در مرحله اول به تعداد موقعیت‌ها گوناگون است. اکثر مردم گهگاه به رفتارهایی دست می‌زنند که تخلف خوانده می‌شود. از آنجا که موقعیت‌های وقوع آنها بسیار متنوع است علت واحدی را نمی‌توان برای آن پیدا کرد، تنها راه ممکن طبقه‌بندی و تفکیک موقعیت‌ها از یکدیگر است. نظر لمرت این است که انحراف در مرحله نخستین خواه جنبه آزمایش داشته باشد یا از روی کنجکاوی باشد و یا با محاسبه انجام شده باشد، بر خودپنداره شخص به عنوان فردی درست‌رفتار اثر چندانی نمی‌گذارد، فرد آن را یک تخلف جزئی می‌داند که در موقعیت خاص قابل توجه است. این‌گونه تخلف‌ها گاهی به عنوان بخشی از نقش

طبیعی افراد نگریسته می‌شود. اینکه انحراف محدود به مرحله اول بماند یا خیر به عکس‌العمل مردم بستگی دارد، عکس‌العمل مردم درجات مختلفی از نفرت و خشم را شامل می‌شود. آنچه اهمیت بیشتری دارد عکس‌العمل سازمان‌های رسمی اجتماعی است. عکس‌العمل دیگران ممکن است متخلف را با مسائل علمی و اخلاقی درگیر کند که ناچار از حل آنها است. مشکل اصلی متخلف دریافت برچسب جرم، اعلام مجازات و تفکیک او از دیگران است. اگر عکس‌العمل دیگران فرد را از محیط طبیعی خود چه به صورت نمادی و چه به صورت عملی جدا کند، فرد با مشکلات اخلاقی مواجه می‌شود که باید به شکلی به آنها پاسخ گوید (سخاوت، ۱۳۸۲، صص، ۹۹-۹۸). چامبیس Chambiss می‌گوید بچه‌هایی که عنوان بچه بد را پذیرند، عمل آنها تقویت می‌شود، راه بازگشت غیرممکن می‌شود. وقتی بچه «خودپندار» را قبول کرد در انتخاب دوست به طرف مشابه خود می‌گردد و هر روز بیشتر در این راه پیش می‌رود. هر روز از جامعه دورتر و غریبه‌تر می‌شود، هیجانان خود را آزادتر و خشم خود را شدیدتر علیه جامعه ابراز می‌کند. حتی به هنگام بزرگسالی عکس‌العمل پلیس و جامعه با توجه به سابقه کودک ممکن است برچسب‌ها را بیشتر تقویت کند (Horton, 1984, p 179). به نظر لیسکاومسنر Liska Messner فرد برچسب خورده بیش از فرد برچسب نخورده به سوی کج‌رفتاری سوق پیدا می‌کند زیرا پس از برچسب خوردن امکان شرکت فرد در فعالیت‌های معمول اجتماعی کم می‌شود، فرد در این شرایط و به شکل نمادین نقش خود را مجدداً تعریف می‌کند و هویت کج‌رو در او تقویت می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱).

به شیوه تجربی تاکنون مطالعات محدودی در زمینه نقش برچسب‌ها در تکرار جرم انجام گرفته است، نتایج تحقیقات غلامی (۱۳۷۸)، احمدی (۱۳۷۷)، سخاوت (۱۳۷۷)، عبدی (۱۳۸۱) و جولی کار (۲۰۰۳) (Ulvinen, 2004, p 1-2) رابطه بین تکرار جرم را با تحریم اجتماعی و برچسب‌زنی انحراف تأیید کرده است. در اهمیت بررسی این موضوع همین بس است که به هزینه‌های تکرار جرم توجه نمود که علاوه بر اتلاف نیروی انسانی جامعه به اتلاف سرمایه‌های مادی و فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و ... نیز می‌انجامد. انجام چنین تحقیقاتی هم استراتژیک بوده و هم از توجیه اقتصادی، اجتماعی و روش‌شناختی و اجرایی برخوردار می‌باشد. هم‌چنین با توجه به ویژگی منحصر به فردی که مطالعه حاضر دارد و برچسب‌های

انحراف را به دو شیوه برجسب‌های رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار داده است، اهمیت بیشتر این تحقیق را نمایان می‌سازد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و تحقیق از نظر نوع، تحقیق همبستگی می‌باشد. البته در تدوین نظریات و ادبیات تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان مقیم زندان تبریز (۱۳۸۴) می‌باشد که در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند؛ جامعه آماری در مجموع ۱۸۰ جوان مقیم زندان تبریز می‌باشد که به علت محدود بودن جامعه آماری از نمونه‌گیری خودداری شده و تمامی ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه آماری تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است.

فرضیات این تحقیق عبارتند از:

- ۱- بین برجسب‌زنی انحراف و تکرار جرم رابطه معنی‌دار وجود دارد.
 - ۲- بین تحریم اجتماعی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز رابطه معنی‌دار وجود دارد.
 - ۳- بین هویت انحرافی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- در این تحقیق متغیر «تکرار جرم» متغیر وابسته تحقیق و متغیرهای «برجسب‌زنی انحراف»، «تحریم اجتماعی» و «هویت انحرافی» متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشند.
- در تحقیق حاضر متغیر وابسته «تکرار جرم» با نوع یا عنوان جرایم ارتكابی، جرایم قبلی و تعداد سوابق مجرمین سنجیده شده است. متغیر مستقل «هویت انحرافی» توسط شاخص‌های آگاهی از پیامد عمل انحرافی، توجه به انحراف همراه با احساس عدم پشیمانی، شناسایی کارکردهای انحراف و آشنا با جرم و انحراف، علاقه و رضایت به عمل انحرافی، نگاه کردن به انحراف به عنوان یک عمل حرفه‌ای عادت‌ی، اعتقاد به غیرقابل تغییر و اصلاح رفتاردرمانی انحرافی و ... اندازه‌گیری می‌شود. همچنین متغیر مستقل «برجسب‌زنی انحراف» در این تحقیق بر اساس بدنام شدن، تحقیر شدن، تنبیه شدن، متهم شدن، سرزنش شدن، اهانت شدن و تمسخر و ... اندازه‌گیری می‌شود. برجسب‌زنی به دو صورت برجسب‌زنی غیررسمی (از طرف خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان) و برجسب رسمی (از طرف نیروی انتظامی، دادگاهها و عوامل زندان) مورد بررسی قرار می‌گیرد و جهت اندازه‌گیری سومین متغیر مستقل

این تحقیق (تحریم اجتماعی)، از شاخص‌هایی نظیر هراس از برقراری ارتباط اجتماعی، عدم همفکری در مسائل و مشکلات اجتماعی، محدودیت برای فعالیت‌های روزانه، نداشتن جایگاه اجتماعی مناسب، محرومیت از فرصت‌های شغلی جامعه، بی‌اعتمادی اجتماعی، طرد اجتماعی، بی‌توجهی به نیازهای مادی و معنوی، فقدان حمایت اجتماعی و عدم دسترسی به مراکز و امکانات آموزشی و درمانی اندازه‌گیری شده است و لازم به یادآوری می‌باشد که تمامی این شاخص‌ها مواردی بوده که از طرف اعضای خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان و اجتماع بر علیه شخص مجرم صورت می‌گیرد.

در تحقیق حاضر با توجه به روش تحقیق که پیمایشی است، ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه کتبی که محقق ساخته است و بر اساس چارچوب نظری و پیشینه تحقیق به صورت سؤالات باز و بسته و با استفاده از طیف‌های مختلف اندازه‌گیری و طراحی گردیده است. اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها نیز به وسیله پیش‌آزمون و ضریب آلفای کرونباخ بررسی شده و نواقص پرسشنامه برطرف گردیده است و با توجه به ماهیت روش تحقیق بکار رفته از روش‌های آماری توصیفی یک متغیره و روش‌های آماری استنباطی دو متغیره استفاده گردیده است.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاضر همچنان که در قسمت مواد و روش‌ها آمده است شامل دو بخش (نتایج توصیفی و نتایج استنباطی) می‌باشد.

نتایج توصیفی تحقیق:

جداول شماره یک تا چهار به ترتیب نتایج توصیفی متغیرهای مستقل متغیر برجسب‌زنی غیررسمی انحراف، متغیر برجسب‌زنی رسمی انحراف، متغیر تحریم اجتماعی و متغیر هویت انحرافی را نشان می‌دهند.

- با توجه به این که متغیر برجسب‌زنی رسمی و غیررسمی انحراف جوانان مقیم زندان تبریز، با استفاده از گویه‌های مختلف و به صورت طیف اندازه‌گیری شده‌اند، مناسب‌ترین روش آماری برای توصیف آنها، استفاده از آمارهای میانگین، انحراف معیار و ... می‌باشد که نتایج مربوط به آنها را در جدول زیر می‌بینید.

جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی متغیر برجسب‌زنی غیررسمی جوانان مقیم زندان تبریز

۱۲/۰۶	میانگین
۵۶/۱۵	انحراف معیار
۷/۴۹	واریانس
۰	حداقل
۲۸	حداکثر
۲۸	دامنه تغییرات
۱۸۰	تعداد مشاهدات معتبر

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی متغیر برجسب‌زنی رسمی جوانان مقیم زندان تبریز

۱۳/۱۱	میانگین
۸/۱۲	انحراف معیار
۶۵/۹۸	واریانس
۰	حداقل
۶۴	حداکثر
۶۴	دامنه تغییرات
۱۸۰	تعداد مشاهدات معتبر

با توجه به اینکه متغیرهای تحریم اجتماعی و هویت انحرافی جوانان مقیم زندان تبریز نیز با استفاده از گویه‌های مختلف و به صورت طیف اندازه‌گیری شده‌اند، مناسب‌ترین روش آماری برای توصیف آنها، استفاده از آماره‌های میانگین، انحراف معیار و ... می‌باشد که نتایج مربوط به آنها در جداول شماره سه و چهار آمده است.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیر تحریم اجتماعی جوانان مقیم زندان تبریز

۸/۹۳	میانگین
۲/۶۱	انحراف معیار
۷۹/۸۱	واریانس
۰	حداقل
۴۰	حداکثر
۴۰	دامنه تغییرات
۱۷۸	تعداد مشاهدات معتبر

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی متغیر هویت انحرافی جوانان مقیم زندان تبریز

۱۱/۲۰	میانگین
۶/۴۶	انحراف معیار
۴۱/۸۵	واریانس
۰	حداقل
۲۸	حداکثر
۲۸	دامنه تغییرات
۱۷۱	تعداد مشاهدات معتبر

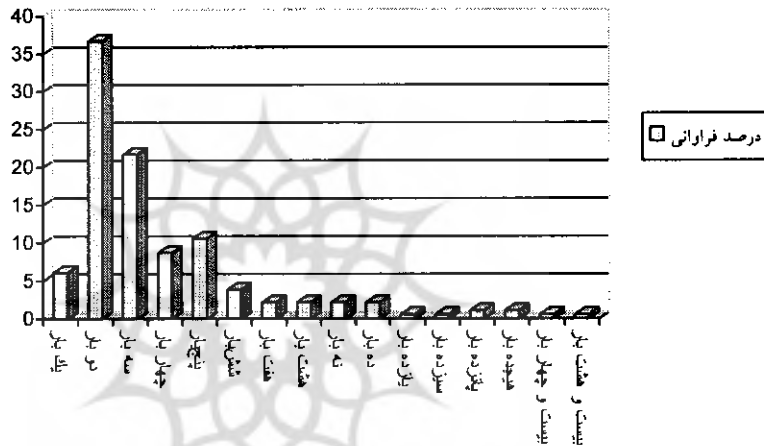
با توجه به این که متغیر تکرار جرم در سطح فاصله‌های اندازه‌گیری شده است، مناسب‌ترین روش آماری برای توصیف این متغیر استفاده از توزیع‌های فراوانی نسبی و تجمعی می‌باشد که نتایج مربوط به این متغیر در جدول شماره پنج آمده است:

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی متغیر تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

تکرار جرم	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
۱ بار	۱۱	۶/۱	۶/۱	۶/۱
۲ بار	۶۶	۳۶/۷	۳۶/۷	۴۲/۸
۳ بار	۳۹	۲۱/۷	۲۱/۷	۶۴/۴
۴ بار	۱۴	۸/۷	۸/۷	۷۲/۲
۵ بار	۱۹	۱۰/۶	۱۰/۶	۸۲/۸
۶ بار	۷	۳/۹	۳/۹	۸۶/۷
۷ بار	۴	۲/۲	۲/۲	۸۸/۹
۸ بار	۴	۲/۲	۲/۲	۹۱/۱
۹ بار	۴	۲/۲	۲/۲	۹۳/۳
۱۰ بار	۴	۲/۲	۲/۲	۹۵/۶
۱۱ بار	۱	۰/۶	۰/۶	۹۶/۱
۱۳ بار	۱	۰/۶	۰/۶	۹۶/۷
۱۵ بار	۲	۱/۱	۱/۱	۹۷/۸
۱۸ بار	۲	۱/۱	۱/۱	۹۸/۹
۲۴ بار	۱	۰/۶	۰/۶	۹۹/۴
۲۸ بار	۱	۰/۶	۰/۶	۱۰۰
کل		۱۰۰	۱۰۰	-

به طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود بیشترین تکرار جرم با ۶۳/۷ درصد با ۲ بار تکرار هستند و هم‌چنین ۸۲/۸ درصد تکرار جرایم مربوط به تکرارهای ۵ بار و کمتر و ۲/۱۷ درصد نیز تکرارهای ۶ بار و بالاتر می‌باشند. نمودار شماره چهار اطلاعات مربوط به این متغیر

را به صورت نمودار میله‌ای به نمایش می‌گذارد؛ هم‌چنین جدول شماره شش آماره‌های توصیفی متغیر تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۵: متغیر تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

جدول شماره ۶: آماره‌های توصیفی متغیر تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

۴/۰۶	میانگین
۳/۷۶	انحراف معیار
۱۴/۱۴	واریانس
۱	حداقل
۲۸	حداکثر
۲۷	دامنه تغییرات
۱۸۰	تعداد مشاهدات معتبر

آزمون فرضها

با توجه به این که در اینجا هدف، آزمون فرضیات (سه فرضیه تحقیق) است و با توجه به این که در هر سه فرضیه، متغیرهای وابسته و مستقل در سطح فاصله‌ای سنجش شده‌اند لذا مناسب‌ترین آزمون آماری برای آزمودن هر سه این فرضیات استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد که نتایج آنها به ترتیب در جداول شماره ۷ تا ۹ آمده‌اند.

جدول شماره ۷: آزمون ارتباط بین برجسب‌زنی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

تعداد پاسخگویان (N)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (α)
$N = 180$	$r = 0/69$	$\alpha = 0/009$

به طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود همبستگی بین دو متغیر (برجسب‌زنی انحراف و تکرار جرم جوانان) در بین ۱۸۰ نفر از نمونه مورد بررسی با سطح معنی‌داری $\alpha = 0/009$ برابر $r = 0/69$ محاسبه گردیده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده $\alpha = 0/009$ از سطح معنی‌داری مورد نظر ما $\alpha = 0/005$ کوچکتر است، پس مدرک کافی دال بر رد فرضیه صفر خود داریم. پس فرضیه صفر رد و فرضیه اصلی مورد قبول می‌گردد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر برجسب‌زنی انحراف و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز ارتباط معنی‌داری وجود دارد. شدت ارتباط دو متغیر بالا بوده و جهت ارتباط آنها مثبت می‌باشد.

جدول شماره ۸: آزمون ارتباط بین تحریم اجتماعی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

تعداد پاسخگویان (N)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (α)
$N = 178$	$r = 0/70$	$\alpha = 0/031$

به طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود همبستگی بین دو متغیر تحریم اجتماعی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز در بین ۱۷۸ نفر از نمونه مورد بررسی با سطح معنی‌داری $\alpha = 0/031$ برابر $r = 0/70$ محاسبه گردیده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده $\alpha = 0/031$ از سطح معنی‌داری مورد نظر $\alpha = 0/005$ کوچکتر است لذا مدرک کافی دال بر رد فرضیه صفر خود داریم. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر تحریم اجتماعی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز ارتباط معنی‌داری وجود دارد. شدت ارتباط دو متغیر بالا و جهت ارتباط آنها مثبت است. یعنی با افزایش تحریم اجتماعی، تکرار جرم نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۹: آزمون ارتباط بین هویت انحرافی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز

تعداد پاسخگویان (N)	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (α)
$N = 171$	$r = 0/74$	$\alpha = 0/001$

همان طور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود همبستگی بین دو متغیر هویت انحرافی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز در بین ۱۷۱ نفر از نمونه مورد بررسی با سطح معنی‌داری $\alpha = 0/001$ برابر $r = 0/74$ محاسبه گردیده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده $\alpha = 0/001$ از سطح معنی‌داری مورد نظر $\alpha = 0/005$ کوچکتر است. پس مدرک کافی دال بر رد فرضیه صفر خود داریم. فرضیه صفر رد و فرضه اصلی قبول می‌گردد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر هویت انحرافی و تکرار جرم جوانان مقیم زندان تبریز ارتباط معنی‌داری وجود دارد. شدت ارتباط دو متغیر بالا بوده و جهت ارتباط آنها نیز مثبت می‌باشد. بنابراین با افزایش هویت انحرافی، تکرار جرم نیز افزایش پیدا می‌کند.

بحث و بررسی

به طوری که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد بین هر کدام از متغیرهای مستقل «برچسب‌زنی انحراف»، «تحریم اجتماعی» و «هویت انحرافی» با متغیر وابسته «تکرار جرم» جوانان مقیم زندان تبریز ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتیجه این تحقیق یافته‌های تجربی غلامی (۱۳۷۸)، احمدی (۱۳۷۷)، سخاوت (۱۳۷۷)، عبدی (۱۳۸۱) و جولی‌کار (۲۰۰۳) را تأیید می‌کند. نتیجه این تحقیق مطالعات لیسکا و مسنر را نیز تأیید می‌کند که طبق نظر آنان، فرد برچسب خورده بیش از فرد برچسب نخورده به سوی کج‌رفتاری سوق پیدا می‌کند. هم‌چنین نتیجه تحقیق حاضر در جهت تأیید مطالعات بکر نیز می‌باشد که به نقل از ارکات در سال (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیده بود.

پیشنهادات

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته تکرار جرم با متغیرهای مستقل برچسب‌زنی انحراف، تحریم اجتماعی و هویت انحرافی رابطه معنی‌درا وجود دارد. بنابراین برای اینکه جرم جوانان را کاهش دهیم یکی از راهکارهای اساسی تحقق این امر، حذف و یا به حداقل رساندن برچسب‌های انحرافی است که به اشکال مختلف به جوانان و در مقاطع

مختلف زده می‌شود. به نظر می‌رسد که با اصلاح نگرش‌ها و دیدگاهها نسبت به دوره جوانی و بحرانهای این دوران و داشتن تصویری درست و علمی می‌توان از ایجاد برچسب‌های انحرافی در جامعه جلوگیری نمود. در این راستا نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، صدا و سیما و هم‌چنین سایر مراکز و کانونهای اصلاح و تربیت نقشی اساسی دارند چرا که شروع برچسب‌های غیررسمی ابتدا در بین اعضای خانواده و در روابط آنها با همدیگر شکل گرفته و سپس در اجتماع تشدید می‌گردند. برای این که از وجود برچسب‌ها تا حدودی رهایی یابیم لازم است که برنامه‌های اصلاحی مختلف از طریق رادیو و تلویزیون در جهت اصلاح نگرش اعضای خانواده و افراد اجتماع صورت گیرد و اطلاع‌رسانی مورد نیاز جوانان در کتابهای آموزشی مختلف چاپ و در اختیار آنها قرار گیرد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که خانواده‌ها، اجتماع و مسئولین جوانان باید از استراتژی‌های جدیدی جهت جلوگیری از تحریم اجتماعی آنها استفاده نمایند. یکی از استراتژی‌های محکم در این زمینه توان‌بخشی یا تواناسازی جوانان، استراتژی‌های مقابله و بقاء و روش‌های دسترسی به کنترل زندگی است که در عمل منجر به گسترش شبکه‌های پشتیبانی، رفاهی و اجتماعی مختلف می‌شود که این شبکه قوی اجتماعی در بلندمدت از تکرار جرم جوانان می‌کاهد. بنابراین فرصت‌های شغلی، غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و هموار کردن امکانات ازدواج آنها از دیگر راهکارهای کاهش تحریم اجتماعی بوده که منجر به کاهش تکرار جرم نیز می‌شود.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر جهت کاهش تکرار جرم جوانان لازم است که از تشکیل هویت انحرافی جلوگیری به عمل آید و جهت نیل به این هدف از راهکارهای متفاوتی می‌توان استفاده کرد که یکی از آنها دور ساختن افراد از دوستان ناباب و خرده‌فرهنگهای منحرفانه‌ای که در جامعه پیوسته در حال به دام انداختن جوانان و قبولاندن هویت‌های جدید انحرافی به آنها هستند، می‌باشد. بنابراین انجام کار فرهنگی و اجتماعی و اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع در این زمینه منجر به عدم تشکیل هویت انحرافی و سرانجام کاهش تکرار جرم جوانان می‌شود.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب. نظریه‌های انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات رز. ۱۳۷۷.
- ۲- اشرف، احمد. مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی. ۱۳۵۵.
- ۳- بلالی، اسماعیل. تحریم اجتماعی (مفاهیم و نظریه‌ها). تبریز: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز. ۱۳۸۴.
- ۴- ستوده، هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات آوای نور. ۱۳۸۱.
- ۵- سخاوت، جعفر. جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور. ۱۳۸۲.
- ۶- شیخاوندی، داور. جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر مرندیز. ۱۳۷۹.
- ۷- صدق‌سروستانی، رحمت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آن. ۱۳۸۳.
- ۸- عبدی، عباس. مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم. شماره ۲. تهران: انتشارات انجمن جامعه‌شناسی. ۱۳۸۱.
- ۹- غلامی، حسین. بررسی تکرار جرم (پایان‌نامه دکتری). تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس. ۱۳۷۸.
- ۱۰- لهسایی‌زاده، عبدالله. نابرابری و قشریندی اجتماعی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. ۱۳۷۷.
- ۱۱- ممتاز، فریده. انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها). تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۱.
- 12- Horton, B. P. and chester i. Hunt. Sociology. Mc Craw – H: II Inc.sixth edition. 1984.
- 13- Orcutt, James d. The labeling tradition. Source: internet. 2002.
- 14- Ulvinen, Veli. Matti. Who needs discrimination? I do, Whoe else? Source: internet: 2004.
- 15- Welford, Charles f. triplet, ruth a – The future of labeling theory: foundations and promises – Source: internet – 2005.